

معرفی گردآورنده سخنان امام علی(ع)

سید رضی در مقدمه نهج البلاغه می‌نویسد: جمع‌آوری نهج البلاغه را شروع کردم در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد.



مادرش فاطمه دختر ابو محمد، حسین بن احمد بن محمد ناصر کبیر، زنی دانشمند و با تقوا بود و شیخ مفید، کتاب «أحكام النساء» را به درخواست ایشان نوشت.

سید رضی در مقدمه نهج البلاغه می‌نویسد: جمع‌آوری نهج البلاغه را شروع کردم در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد.

به گزارش فارس، ابو الحسن، محمد بن حسین بن موسی موسوی بغدادی، معروف به «سید رضی» از علمای بزرگ امامیه در سال 359 هجری در شهر بغداد به دنیا آمد.

سید رضی، برادر کوچک «سید مرتضی علم الهدی» بود.

سید رضی از خانواده‌ای اصیل و از نسل ائمه معصومین علیهم‌السلام است و نسبش از طرف پدر به امام کاظم علیه‌السلام و از طرف مادر به امام زین العابدین علیه‌السلام می‌رسد.

نام اصلی‌اش محمد بود که فرزند حسین، فرزند موسی، فرزند محمد، فرزند موسی، فرزند ابراهیم، فرزند امام موسی بن جعفر علیه‌السلام است.

پدر سید مرتضی و سید رضی، ابو احمد حسین، ملقب به طاهر و ذوالمنقبین از شخصیت‌های برجسته و مورد توجه حکومت و نقیب سادات و مسئول رسیدگی به شکایات مردم و امیر حج بود.

مادرش فاطمه دختر ابو محمد، حسین بن احمد بن محمد ناصر کبیر، زنی دانشمند و با تقوا بود و شیخ مفید، کتاب «أحكام النساء» را به درخواست ایشان نوشت.

خواب شیخ مفید درباره سید مرتضی و سید رضی

برخی از رؤیاهای در صداقت و راستی، نوعی الهام و نوعی آگاهی غیبی است. یکی از آن رؤیاهای خوابی بود که شیخ مفید دید که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام را پیش او آورده و فرمود: «ای شیخ به این دو فرزند من فقه بیاموز».

شیخ پس از بیداری به حیرت و تفکر فرو رفت. صبح همان شب، فاطمه، مادر سید مرتضی و سید رضی، با خدمتگزاران خود که دور او بودند دو پسر خود، سید مرتضی و سید رضی را که در آن موقع از نظر سن، خردسال بودند، پیش شیخ آورده و گفت: «ای شیخ به این دو فرزند من فقه بیاموز».

شیخ مفید تحت تاثیر قرار گرفت و خواب خود را برای آن بانوی جلیل‌القدر بازگو نمود و برای تعلیم و تربیت آن دو برادر، اهتمام تمام به کار برد تا به مقام عالی علم و اجتهاد نایل آمدند و هر دو از ذخیره‌های ارزشمند اسلام و شیعه و از نوادر و نواغ روزگار شدند.

شخصیت و خدمات سید رضی

سید رضی شخصیتی اندیشمند و دارای قدرت هوش و درکی بالا بود. او مدرسه‌ای در شهر بغداد تأسیس کرد و به تربیت شاگردانی در علوم اسلامی پرداخت.

کتابخانه بزرگی نیز برای استفاده شاگردان خود در آن مدرسه برپا نمود.

در سال 388 هجری بهاء الدوله او را به جانشینی خود برگزید و او را به مقام ریاست سادات و مسئول رسیدگی به شکایات مردم و امارت حج منصوب و او را به «شریف جلیل» ملقب نمود.

در سال 397 هجری نیز از طرف بهاء الملک همین مقام به او داده شد.

جمع‌آوری نهج البلاغه توسط سید رضی

خدمت بزرگ سید رضی، جمع‌آوری نهج البلاغه بود.

نهج البلاغه، شامل سخنان، کلمات و نامه‌های گهر بار امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام است که در موقعیت‌های گوناگون بیان فرموده یا برای افراد مختلف نوشته است.

در ارزش کتاب شریف نهج البلاغه، هم همین بس که آن را «أخ القرآن» یعنی برادر کتاب خداوند دانسته‌اند.

نهج البلاغه کتابی است که بزرگترین فصحا و بلیغ‌ترین گویندگان در طول تاریخ افتخار خویش را در محضر نهج البلاغه بودن دانسته‌اند.

سید رضی، بنای جمع‌آوری همه سخنان امام علی علیه‌السلام را نداشته است و تنها از بین منابع فراوانی که داشته قسمتهایی را گلچین نموده است.

او در مقدمه کتاب به این نکته اشاره کرده که آنچه می‌آورد مختار و انتخاب شده‌هایی از کلمات و نامه‌های آن حضرت است.

مقدمه کامل سید رضی بر نهج البلاغه

سید رضی در مقدمه نهج البلاغه مطالب مهمی نوشته که خوب است ترجمه کامل آن را ذکر کنیم:

حمد و ثنای الهی و درود بر محمد و آل محمد

«ستایش خدا را سزااست که حمد را بهای نعمت‌ها و پناهگاه از بلاها، و وسیله رسیدن به نعمت‌ها و بهشت جاویدان، و موجب افزایش احسان و کرمش قرار داد.

درود بر پیامبر رحمت، و پیشوای رهبران الهی و چراغ روشنی بخش امت، که ریشه‌های وجودش بزرگواری و درخت اصل و نسبش پر برگ و پر ثمر بوده است. و درود بر اهل بیتش که چراغ‌های روشنی بخش تاریکی‌ها، و وسیله نجات امت‌ها، و نشانه‌های روشن دین و مرکز ثقل فضیلت و برتری می‌باشند.

درود بر همه آنان باد؛ درودی که با فضل و بزرگواری آنها برابری کند؛ و پاداش اعمال آنها قرار گیرد؛ پاداشی که مناسب با پاکیزگی اصل و فرع ایشان است.

درود بر آنان باد تا زمانی که سفیده صبح گریبان شب را می‌شکافد و ستارگان طلوع و غروب می‌کنند.

چگونگی پیدایش کتاب نهج البلاغه

در آغاز جوانی و طراوت زندگی، دست به تألیف کتابی در «خصائص و ویژگی‌های ائمه علیهم‌السلام» زدم که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنها بود.

انگیزه این عمل را در آغاز آن کتاب یاد آور شدم و آن را آغاز سخن قرار داده‌ام.

پس از گرد آوردن خصائص امیر مؤمنان علیه‌السلام مشکلات و حوادث روزگار مرا از اتمام بقیه کتاب، باز داشت.

من آن کتاب را باب باب نموده و به فصل‌های مختلفی تقسیم کرده بودم. در پایان آن، فصلی که متضمن سخنان جالب امام علیه‌السلام از سخنان کوتاه در مواعظ، حکم، امثال و آداب- «نه خطبه‌های طولانی و نه نامه‌های گسترده»- آورده شد.

برخی از دوستان آن را جالب و شگفت انگیز از جنبه‌های گوناگون دانستند، و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امیر مؤمنان علیه‌السلام در جمیع فنون و بخشهای مختلف، از خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ و ادب در آن گرد آید، زیرا می‌دانستند این کتاب متضمن شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و جواهر سخنان عرب و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گرد آوری نگردیده است؛ زیرا امیر مؤمنان منشأ فصاحت و منبع بلاغت و پدید آورنده آن است، مکونات بلاغت بوسیله او آشکار گردیده، و قوانین و اصول آن از او گرفته شده است. تمام خطباء و سخنرانان به او اقتدا نموده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند.

با این همه، او همیشه پیشرو است آنها دنباله رو، او مقدم است آنها مؤخر، زیرا سخن او کلامی است که آثار علم الهی، و بوی عطر سخن پیامبر را به همراه دارد.

از این رو خواسته دوستان را اجابت کردم و این کار (جمع‌آوری نهج‌البلاغه) را شروع کردم در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود.

هدف از جمع آوری نهج البلاغه

منظورم این بود که علاوه بر فضائل بی شمار دیگر، بزرگی قدر، و شخصیت امیر مؤمنان را از این نظر روشن سازم که:

امام علی علیه‌السلام تنها فردی است که از میان تمام گذشتگانی که سخنی از آنها به جا مانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده و گفتار او اقیانوسی است بیکرانه، که سخن هیچ بلیغی به پایه آن نخواهد رسید.

خواستم در افتخار کردن به امام علیه‌السلام به قول شاعر معروف «فرزدق» متمثل شوم (که در مورد افتخار به پدران خود به شخصی به نام «جریر» خطاب می‌کند).

اولئک آبائی فجئنی بمثلهم / اذا جمعنا یا جریر المجمع

(ای جریر! اینها پدران و نیاکان منند اگر می‌توانی در آن هنگام که در مجمعی گرد آمدیم همانند آنها را برای خود بر شمار.)

سخنان آن حضرت بر مدار سه اصل می‌چرخد:

اول- خطبه‌ها و اوامر. دوم- نامه‌ها و رسائل. سوم- کلمات حکمت آمیز و مواعظ.

تصمیم گرفتم ابتداء خطبه‌ها، پس از آن نامه‌ها، و سپس کلمات حکمت آمیز جالب آن حضرت را جمع کنم.

سپس به هر کدام از آنها بابی را اختصاص دادم و صفحاتی ویژه آن گردانیدم تا مقدمه‌ای باشد برای به دست آوردن آنچه که به آن دسترسی ندارم (و ممکن است) در آینده به آن برسم. و هر گاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره، یا پاسخ سؤال، و یا منظور دیگری بود که به آن دست یافتم ولی جزء هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین بخش قرار دادم.

اگر در میان آنچه برگزیده‌ام فصول غیر منظم و سخنان غیر مرتبی آمده، به خاطر آن است که من نکته‌ها و جملات درخشان آن حضرت را جمع می‌کنم و منظورم حفظ تمام پیوندها و ارتباطات کلامی نیست.

از شگفتی‌های سخنان امام علی علیه‌السلام

از شگفتی‌های سخنان امام علیه‌السلام که او خود در این زمینه تنها است و شریک و همتایی در آنها ندارد، این است که: سخن آن حضرت را که درباره زهد و مواعظ است هر گاه کسی تأمل کند و خود را از این جهت بیگانه دارد که این سخن شخصی عظیم‌القدر و نافذ الامر است که همه در برابر او سر فرود می‌آورند؛ شک و تردید نخواهد کرد که گوینده این سخن کسی است که جز در وادی زهد و پارسایی قدم نگذاشته و هیچ اشتغالی بجز عبادت نداشته است و یقین می‌کند که این سخن از کسی است که در گوشه خانه‌ای تنها و دور از اجتماع یا در یکی از غارها قرار گرفته که جز صدای خودش را نمی‌شنود و غیر خویش دیگری را نمی‌بیند، و همواره مشغول

و هیچ گاه نمی‌تواند باور کند که این سخن کسی است که به هنگام جنگ در دریای لشکر دشمن فرو می‌رفت و پهلوانان و جنگجویان نیرومند را بر زمین می‌افکند. و او با این حال یکی از زهاد و یکی از افراد صالح و پاک و نمونه‌ای است که نظیر ندارد.

این است فضائل عجیب و شگفتی‌زا و ویژگی لطیف او که جمع میان اضداد کرده است. بسیار می‌شد که من در این باره با برادران مذاکره می‌کردم و شگفتی آنها را از این ویژگی خاص امام علیه‌السلام بر می‌انگیختم و راستی این خود جای عبرت و شایسته اندیشه و فکر است.

اگر در اثناء سخنان انتخاب شده لفظ مردّد و یا معنی مکرّری آمده است، عذر من در این باره این است که در روایات مربوط به سخنان امام علیه‌السلام اختلاف است: گاهی سخنی را در روایتی یافتیم و همان طور که بوده آن را نقل کرده‌ام. سپس روایت دیگری در همان موضوع به دستم رسیده که با روایت قبل یکسان نبوده، اما به خاطر مطالب بیشتری که داشته، و یا به خاطر لفظ جالب‌تری که در آن به کار رفته، لازم بود آن را نیز بیاورم.

این نیز ممکن است بر اثر سهو و نسیان نه از روی عمد دوباره آورده شده است. با این حال ادّعا نمی‌کنم که من به همه جوانب سخنان امام علیه‌السلام به طوری احاطه پیدا کرده‌ام که هیچ کدام از سخنان او از دستم نرفته است، بلکه بعید نمی‌دانم که آنچه نیافته‌ام بیش از آن باشد که یافته‌ام، و آنچه در اختیارم قرار گرفته کمتر از آنچه به دستم نیامده باشد اما وظیفه من غیر از تلاش و کوشش و سعی فراوان برای یافتن این گم شده نیست، و از خدا می‌خواهم در این امر مرا راهنمایی کند.

بعد از تمام شدن کتاب چنین دیدم که نامش را «نهج البلاغه» بگذارم؛ زیرا این کتاب درهای بلاغت را به روی بیننده می‌گشاید، و خواسته‌هایش را به او نزدیک می‌سازد.

این کتاب هم مورد نیاز دانشمند و عالم، و هم دانشجو و متعلم است، و هم خواسته شخص بلیغ و زاهد در آن یافت می‌شود.

در بین کلمات امام علیه‌السلام سخنان شگفت انگیزی در مورد توحید، عدل و تنزیه خداوند از شباهت به خلق می‌بینم که تشنگان را سیراب کرده، و پرده‌ها را از روی تاریکی شبهات بر می‌گیرد.

از خداوند بزرگ توفیق و نگهداری از لغزش را خواستارم، و نیز می‌خواهم که به من در این راه مقاومت و یاری بخشد و از خطای فکر پیش از خطای زبان، و از خطای سخن، پیش از لغزش قدم، به او پناه می‌برم. او مرا کفایت می‌کند و بهترین حافظ و یاور است. / سال 400 هجری. الشّریف الرّضیّ

استادان سید رضی

مهمترین و معروفترین استادش، ابو عبد الله محمد بن محمد نعمان مشهور به شیخ مفید (متوفای 413 ق) از دانشمندان کم نظیر عالم اسلام است.

دیگر اساتید سید رضی عبارتند از:

1 - ابو اسحاق ابراهیم بن احمد طبری (متوفی 393 ق) فقیه و ادیب و نویسنده زبر دست که سید رضی، قرآن را در دوران کودکی نزد وی آموخت.

2 - ابوعلی فارسی (متوفی 377 ق) نام آور دانش و ادب و پیشوای علم نحو در عصر خود.

3 - ابوسعید سیرافی (متوفی 368 ق) دانشمند بزرگ و نحوی که مسند قضاوت بغداد را به عهده داشت.

4 - قاضی عبدالجبار بغدادی، متخصص علم حدیث و ادبیات.

5 - عبد الرحیم بن نباته (متوفی 374 ق) از خطبای بلند آوازه و نامدار شیعه، مشهور به خطیب مصری. سید رضی مقداری از فنون شعر را از وی آموخت.

6 - ابومحمد عبدالله بن محمد اسدی اکفافی (متوفای 405 ق) عالم فاضل و پرهیزکار و مسند نشین قضاوت در بغداد.

7 - ابوالفتح عثمان بن جنی (متوفی 392 ق) ادیب ماهر در علم نحو و صرف.

8 - ابوالحسن علی بن عیسی (متوفای 420 ق) شعر شناس و پیشوای علم لغت و ادبیات.

9- ابوحفص عمر بن ابراهیم بن احمد الکنانی، محدث ثقه که سید رضی از او حدیث فرا گرفت.

10 - ابوالقاسم عیسی بن علی بن حدیث بن داوود بن جراح (متوفی 350 ق) لغت شناس و محدث.

11 - ابوعبدالله مرزبانی (متوفای 384 ق)

12 - ابوبکر محمد بن موسی خوارزمی (متوفی 403 ق) فقیهی سترگ و استاد حدیث که سید رضی و دیگران از وی فقه آموختند.

13 - ابومحمد هارون تلعبکری (متوفای 385 ق) فقیهی جلیل القدر و صاحب کتاب جوامع در علوم دین.

شاگردان سید رضی

1 - سید عبد الله جرجانی

2 - شیخ محمد حلوانی

3 - شیخ جعفر دوریستی (متوفی حدود 473 ق)

4 - شیخ طوسی (م 460 ق)

5 - احمد بن علی بن قدامه مشهور به ابن قدامه (م 486 ق)

6 - ابوالحسن هاشمی

7 - مفید نیشابوری (م 455 ق)

8 - ابوبکر نیشابوری خزاعی (متوفی حدود 480 ق)

9- قاضی ابوبکری عکبری (م 472 ق)

10 - مهیار دیلمی.

آثار دیگر سید رضی

چنانکه گذشت مهم‌ترین اثر سید، کتاب شریف نهج البلاغه است. آثار دیگرش، خصائص الأئمه، تلخیص البیان عن مجاز القرآن، المجازات النبویه و حقایق التأویل فی متشابه التنزیل است.

وفات

سید رضی در سن 47 سالگی و در سال 406 هجری در شهر بغداد رحلت کرد.

نوشته‌اند سید مرتضی، استوانه علم و تقوا و سیاست، از درگذشت مرموز و ناگهانی برادرش چنان متأثر و متأسف شد که تاب دیدن جنازه او را نیاورد و از شدت حزن و اندوه به حرم مقدس کاظمین علیه‌السلام پناه برد.

انبوه مردم، جنازه سید رضی را تشییع کردند و فخرالملک وزیر بر جنازه وی نماز خواند. پیکر پاکش را در خانه خود به امانت دفن و بعدها به حرم امام حسین علیه‌السلام منتقل کردند.